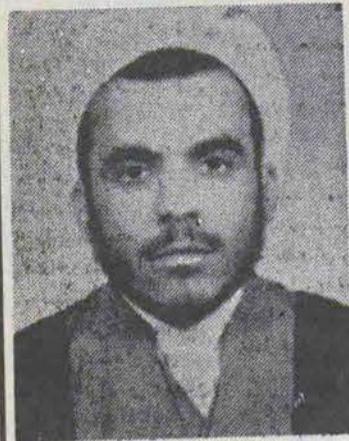


# انقلاب اسلامی

یکشنبه ۲۹ شهریور ۱۳۵۸ - ۱۴:۰۰

۲۱ آگوست ۱۹۷۹ - شاهزاده ۱۵ ریال

مددود آن بندهان، اک پنجه ناکوش زندگانی از بین آنها برای میکنند



## عملکرد بیکاری

وضع بیکاری به شرحی است که در سر مقاله شماره ۹۵ روزنامه  
آمد. اینکه علاج بیکاری از دوازده زیر است:

- در محدوده وضع موجود، از راه توسعه فعالیتهای اقتصادی کوتاه و بلند مدت.
- بر هم زدن وضع موجود و اجرای برنامه جامع استقلال و رشد اقتصادی.

اما حل مشکل در محدوده وضع موجود جز از دوازده ممکن نمیشود. یکی افزایش واردات و توسعه خدمات و استخدام باز هم پیشتر افراد در سازمانهای اداری دولتی و غیر دولتی و دیگری میدان دادن بد بورس بازی مینمودند و توسعه اسعار کمیته رئیسه ساختمان. رژیم شاه سابق و قوی مشکل بیکاری را طبق این امر موجب بزرگتر شدن ابعاد بحران اقتصادی آنرا حل کند و همین امر موجب بزرگتر شدن ابعاد بحران اقتصادی سلطنتی شهرها و افزایش مصرف و خالی شدن روستاهای افغانستان کشاورزی و صنعتی و ... همراه شد. در حال حاضر هم اکر بخواهیم مشکل بیکاری را با رونق بخشیدن بفالیت رئیسه ساختمان در تهران و چند شهر دیگر حل کنیم، علاوه بر مشکلات شهری و کشوری بسیار که بیار می آورد، مانع از پیمودن هر راه بیکاری میشود. در حقیقت ما نیز محبور میشویم بسیار بیش از درآمدهای نفت خروج کنیم تا هم بیکاران گمان کنند کار پیدا کردند، هم قیمت ها در حد غیر قابل کنترل افزایش بپیدا نکنند و هم سرمایه داران آنچنانی که بخودن و بسیار خودن سرمایه ها عادت کردند، احساس اشتیک نکنند وهم.

این راه ما را به جهت می برد. این راه ما را بقدر کامل مببرد

نفت و منابع دیگر را باید بدhem و با پول آن فالانهای تخریبی را

رونق بدھیم و عمر اقتصاد کشور را کوتاه و کوتاه تر کنیم.

اما راه دوم اینست که طرح رشد جایع را بلادرنگ با چرا

بکذاریم. بدینغار که:

در قلمرو کشاورزی:

دست به اصلاحات ارضی واقعی بزنیم. کشور ما زمین آبی و دم آنقدر دارد که دعوا بر سر یک و جب زمین هم خا و محل نداشته باشد. تشخیص و تقویم این زمین های بیش از قرار معلوم انجام گرفته است کاری که مانده است و باید کرد، اینست که در این زمین طرح ایجاد جامه های جدید روستایی را بازگردانیم. برای بیکاری ایجاد اختلاف سطح میان شهر و روستا را از میان برداریم، بلکه با پاشین آموزش، جهت مهاجرت را از روستاها و افزایش خدماتی نظری بهداشت و باید فعالیت کشاورزی را با قابلیت سمعتی درآوریم تا فعالیت در همه سال وجود داشته باشد و درآمد روستایان نیز افزایش یابد.

تشخیص محله های که باید بصورت مرکزی سمعتی برای محموم عدو را

در آیند، کار دوستی است که باید انعام بزیرد. اما این افزایش

فعالیت رشته ساختمان سخت افزایشی می باشد.

اما این افزایش نیستند، موجب افزایش تولید داخلی (و نه افزایش واردات)

میکردند و برای آینده بیکاران کار بخود می آورد و هزینه های جدید

عظیم نیز (هزینه های که توسعه سلطنتی شهرهای بزرگ بخود

می آورند) بیار نمی آورد.

...

جلسه ۱ از صفحه ۱

این اقدار دارد که دعوا بر سر یک و جب زمین هم خا و محل نداشته باشد. تشخیص و تقویم این زمین های بیش از قرار معلوم انجام گرفته است کاری که مانده است و باید کرد، اینست که در این زمین طرح ایجاد جامه های جدید روستایی را بازگردانیم. برای بیکاری ایجاد اختلاف سطح میان شهر و روستا را از میان برداریم، بلکه با پاشین آموزش، جهت مهاجرت را از روستاها و افزایش خدماتی نظری بهداشت و باید فعالیت کشاورزی را با قابلیت سمعتی درآوریم تا فعالیت در همه سال وجود داشته باشد و درآمد روستایان نیز افزایش یابد.

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...















## انقلاب اسلامی

## اقتصاد و زندگی

۹۹ شماره ۲۹ مهر ماه ۱۳۵۸



امام هم آنرا تائید کردند پس ما داید مهربانتر از مادر که نیستیم.

آنگاه وزیر کشاورزی در مورد شاععی که بر سر زبانهاست

جنین اطهار داشت:

بهانه‌ای که بست بعضی از افراد افتاده است این است که جون خود وزیر مالک است از این جهت اصرار دارد که مالکیت حفظ شود من برای شما هیچ قسمی نمی خورم و فقط سرگذشت خود را مختار مختصراً برایان میگویم که به همه این جنجالهایی که آقایان تازه مبارز شده راه اندخته‌دان بایان باشند.

سپس وزیر کشاورزی شروع به شرح حال زندگی خود نموده و

اطهار داشت که جز ۳۰۰ هکتار زمینی را که قلا شورزار بوده و

آباد کرده است زمین دیگر ندارد و اطهار داشت که از زندگی بقدر

کتابتی که نوشته بود که همه این ۳۰۰ هکتار زمین را نیز

بین کشاورزان قسمت کند. و شایعات متضاد شده را مبنی بر اینکه

وی ۳ هزار هکتار زمین دارد برای اساس خواند.

نتیجه بررسیها و مباحثات خود را اعلام داشتند: که اقدام به درج

سنتهایی از آن مبنی‌نمایم.

کروه کار شماره‌بند که در مردم مالکیت و زمینی‌های خود را اینکه

های دامداری و نقش دولت تشكیل شده بود نتیجه کارخود را سرچ

زیر اعلام داشت:

کروه عقیده‌دار دارد که مالکیت زمین نباید در اختیار دولت

قرار بگیرد مالکیت خصوصی در بخش کشاورزی و دامداری امری حتمی

است. در مردم کشت‌عنتیها و شکنی‌های سهایی زراعی باید نه تنها

باقی‌ول اقوی از زارعین حاصل شق قلی و روستاییان محلی

بدون زمین و اکاره شود و ضمن تائید مالکیت بحدود معنقد بغير

بنیادی نظام ارضی موجود مبایس و نهانه نیزه‌ری کار و استعداد

پیش‌نهاده همراهی و ایزرا نیزه‌ری مبنی‌لانه خود را در نظام ارضی

باید. کروه معنقد به مالکیت مشروط این اقدام که در زمان ریسم

کدشته به زور و از طریق عوارض نا سرخ و با از طریق نزول خواری

در صفحه ۱۵

دریاره هر کسی و به هر فرمی بتویستند.

وزیر کشاورزی سیس مطالی را که در روزنامه جمهوری اسلامی

مورد ۲۵ می‌ماه نوشته شده بود تحریف شده خواندو در ضمن انتقاد

شدید از خط می‌روزنامه جمهوری اسلامی من نامه‌ای را که در روزنامه

کشاورزی آلامی نوشته بود فرایند گرد.

پس از آن وزیر کشاورزی در دنباله سخنان خود اغافه کرد

کشاورزی که در حکومت قبلی و ایلی عاشی شان بهتر آماد بود. علاوه‌ای

ندازند که این انقلاب به شر برسد و از اهلهای خود را بوجود می‌ورند و

بیشتر تلاش آنها این است که مملکت را بوجود می‌ورند و

تنها ارکانهایش در ظرف جند ماه کشته توائمه‌اند به کار

خودشان و نه طور کامل ادامه بدیند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و میخواهند این دو صفت راه از کاربین‌دازند.

پس از آن و دیگر کهایه که راه از زندگی بقدر

نیزه‌ری که اینها نوشته بودند یکی صفت نفت بوده است و

دیگری مکشاورزی و





